

**موانع و راهکارهای فرهنگی انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه های تربیتی
امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه^۱**

اسماعیل خارستانی* / ایراندخت فیاض** / علی خورسندی***

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۲۷

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی موانع و راهکارهای فرهنگی انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می باشد که با روش تحلیلی و استنتاجی انجام شده است. همچنین در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که اهمیت انضباط اجتماعی از دو منظر قابل بررسی و تحلیل است؛ اهمیت در جهان امروز و اهمیت از منظر دین. از طرف دیگر شاخصه های (الهی بودن، و حیانی بودن، فطری بودن، حقانی بودن) با بهره گیری از آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام) استنتاج و تحلیل شده است. شتاب زدگی در امور، تنبلی و سستی در امور، ترک امر به معروف و نهی از منکر، چاپلوسی، گفتار بی اندیشه، عدم رشد فرهنگی، جهل و تقلید کورکورانه و تعصب در این تحقیق بعنوان موانع فرهنگی تحقق انضباط اجتماعی استنتاج شده و در پایان نیز راهکارهایی نظیر؛ اعتماد دینی، داشتن هدف واقعی در زندگی، اندیشه و فکر، آینده نگری و دوراندیشی، اصلاح بین مردم، پاسخگویی و حق اظهار نظر، مبارزه با هوای نفس و تعالی روح و پرهیز از بی تکلیفی در زندگی بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام) شناسایی و استنتاج شده است.

۱. این مقاله از رساله دکتری با عنوان « صورت بندی مفاهیم انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام) و تدوین الگوی مناسب» استخراج شده است.

kharestani57@yahoo.com

iranfayyaz@yahoo.com

khorsandi@gmail.com

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبایی

** دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

*** استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که؛ در صورتی که موانعی که در این تحقیق احصاء گردیده با استفاده از راهکارهای شناسایی شده، مرتفع شود، انضباط اجتماعی در جامعه تحقق یافته و رشد و توسعه فرهنگی را به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی

امام علی (علیه السلام)، انضباط اجتماعی، آموزه های تربیتی، موانع، راه کارها.

مقدمه

نظم‌مداری و عمل به قانون راه دوری از تنش‌های بشری است. انسان‌گرایی‌های گوناگونی دارد که با یکدیگر ناسازگارند. نظم می‌تواند با مدیریت‌گرایی‌های متفاوت و گاه متضاد آنها را سازمان‌دهی کند و به صلاح جامعه سوق دهد. احترام و پایبندی به مرزها، نیاز بشر برای زندگی عاری از تنش می‌باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

« أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حَلِّهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ » (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ح

۳۲۴۲)؛ بهترین ادب آن است که انسان در حد و مرز خود بماند و از اندازه خویش فراتر نرود. در فرهنگ توحیدی و اسلامی هر چیزی از جمله نظم اجتماعی، در راستای هدف خلقت ارزیابی می‌شود و بدیهی است که هدف از نظم اجتماعی در فرهنگ دینی و قرآنی تنها تأمین رفاه مادی و منافع دنیوی نیست؛ بلکه علاوه بر تأمین رفاه و منافع دنیوی، تکامل انسانی و سعادت اخروی بشر مورد نظر است و روشن است که در مقام تعارض، سعادت اخروی بر امور دنیوی مقدم شمرده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۶ و ۲۷).

فرهنگ مجموعه و کلیت به هم تافته و پیچیده‌ای از ایده‌ها، باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نمادها و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که حاصل و دستاورد نسل‌های مختلف می‌باشد و مبانی، اصول، چگونگی و چرایی این طرز تفکر، نحوه زندگی و نحوه و چگونگی و نوع اعمال و رفتار فردی، جمعی و اجتماعی آنان را توجیه، تعقیب، تبیین یا تعیین می‌نماید و روند حال و آتی آن را معلوم و مشخص می‌کند (علی احمدی، ۱۳۸۳، ص ۴۷). به طور خلاصه می‌توان گفت فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد» شناخته می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱)

اسلام با پیوندی که میان فرد و خالق واحد نظام آفرینش برقرار می نماید، در ساماندهی به امور اجتماعی خود یکی از ابزارهای کنترل درونی را فراهم می نماید، عاملی که در صورت اجرای حقیقی به مراتب از عوامل کنترل کننده دیگر موثرتر و کارسازتر است. در این زمینه علامه طباطبایی چنین می گوید:

اسلام هدف جامعه اسلامی و هر جامعه دیگری را که طبعاً بی نیاز از داشتن یک هدف مشترک نیست، نیک بختی واقعی و قرب و منزلت در پیشگاه خدا قرار داده است ... چنین هدفی اگر در جامعه وجود داشته باشد، به صورت یک مراقب باطنی خواهد بود که علاوه بر حفظ ظاهر انسان، سرشت و نهاد آدمی هم از دید او مخفی نخواهد ماند و بدین ترتیب خود همین هدف، ضامن حفظ احکام اسلامی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

برای این که انضباط، ابتدا به صورت يك حالت، در درون فرزند شکل گیرد و سپس به عادت و آن گاه به ملکه ای درونی مبدل شود، لازم است در استوار ساختنش مداومت کرد.

امام علی (علیه السلام) در این خصوص می فرمایند:

«الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ وَالْإِسْقَامَةُ الْإِسْقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ» (شهیدی، خطبه ۱۷۶)

به کار برخیزید به کار برخیزید . پس به پایان رسانید! به پایان رسانید! و پایدار مانید! پایدار مانید! پس شکیبایی! شکیبایی!

دلشاد تهرانی، ضمن بیان اینکه شأن انسان عاقل، نظم و برنامه ریزی است، ریشه آن را درهمسویی قوای عقلیه، شهویه، غضبیه و عملیه در فرد می داند که البته می تواند در جهت نظم دنیایی و یا در جهت نظم اخروی سامان یابد. بدین ترتیب، تأکید بر عقل معاش (عقل حسابگر، مکسبی) نظم دنیایی و تأکید بر عقل معاد (عقل کلی، ایمانی و هدایتگر) نظم آخرتی را به وجود می آورد. این معنا البته درباره جوامع نیز صادق است و مادامی که قوای جامعه همسو نشوند، ناهماهنگی، پراکندگی، رویارویی و سستی و رکود، وجود خواهند داشت. از همین رو، خداوند همه را به همسویی قوا در جهت حق می خواند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، صص ۲۳۱-۲۴۸).

اگرچه موضوع انضباط از بعد فرهنگی نگاه کنیم در می یابیم که چون این دیدگاه مبتنی بر باورها و ارزش های فرهنگی است و اینکه افراد جامعه با میل و علاقه بیشتری این باورها و ارزش ها را می پذیرند پس به دو دیدگاه مشارکت پذیری و پیش بینی پذیری پاسخ کاملی می دهند. یعنی با میل و رغبت در اجرای قوانین و رعایت نظم همکاری و مشارکت می کنند در نتیجه بر اساس دیدگاه فرهنگی نظم می توان رفتار آنها در شرایط و موقعیت های مختلف بیشتر و بهتر پیش بینی کرد و از سوی دیگر چون پیروی افراد از

الگوهای مبتنی بر ارزش‌ها و باورها از روی ترس و تهدید و زور نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت بیشتری دنبال می‌شود.

از اینرو بررسی موانع فرهنگی انضباط اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی، يك ضرورت منطقی است و جستجوی راهکارهای عملی تحقق این پدیده، گام بعدی محسوب می‌شود که در این پژوهش بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام) (با تأکید بر نهج البلاغه) بررسی و تحلیل خواهد شد.

پیشینه تحقیق

حجازی طاقانکی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن بر اساس تفسیر نمونه» به این نتیجه رسید که؛ اصلاحات اجتماعی به خصوص اصلاح امور اقتصادی از ملزومات برقراری نظم اجتماعی است. عمل به قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، پرهیز از کم‌فروشی و رعایت وزن، آرامش بازار و رونق کسب و کار، دقت در هنگام انعقاد قراردادها، پایبندی افراد و جامعه به ارزش‌های اخلاقی، به کار گماردن مدیران نیرومند و توانا و امین، حضور حکما و دانشمندان در بدنه حکومت، اخلاق و منش رهبر و تبعیت از رهبر جامعه، وقت شناسی، پاسداری از سنت‌های پسندیده پیشینیان و اجرای تدریجی قوانین جدید و حذف نظام‌های غلط از دیگر عوامل برقراری و حفظ نظم اجتماعی به شمار می‌روند. از طرف دیگر، فساد و هواپرستی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بی‌نظمی اجتماعی به شمار می‌رود.

فصیحی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص‌های آن» با مراجعه به متون دینی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی، به استخراج شاخص‌های منطبق نظم بخشی در اسلام پرداخته‌اند. آنان در این پژوهش به دو سطح خرد و کلان نظم پرداخته و در سطح کلان چهار بعد فرهنگی، تعاملی، سیاسی و ابزاری یا اقتصادی نظم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. همچنین، در ادامه بر اساس ابعاد چهارگانه نظم، شیوه‌های کنترل و نظارت اجتماعی نظم را مورد بررسی و بازخوانی قرار داده‌اند.

صمدی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «نظم فردی و اجتماعی و مطالعه آن در سیره و سخن حضرت علی (علیه السلام)» نشان داد که رهبران و کارگزاران نالایق و خود محور، حکومت استبدادی، مردم جاهل و نافرمان از آفات فقدان انضباط اجتماعی می‌باشد.

گرجیان و حسنی علیایی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «اسلام، اخلاق و انضباط اجتماعی»، به این نتیجه رسیدند که: راهکارهای موجود در آیین اسلام و به ویژه اخلاق اسلامی، بیشترین انگیزه را در پیروان خود برای مشارکت و همکاری با دیگران که اساس انضباط اجتماعی است، فراهم می آورد.

عساریان نژاد و مؤمنی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین و ترسیم مولفه ها و شاخصه های تولید اختلال و بی نظمی اجتماعی» در نتیجه گیری خود، اختلال و نابسامانی در هنجارهای اجتماعی را از اساسی ترین مولفه های بی نظمی اجتماعی دانسته اند.

حسامی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «اسلام و انضباط اجتماعی»، به این نتیجه رسید که: عواملی همچون مشارکت، به هم پیوستگی و همبستگی در پیدایش نظم اجتماعی دخالت دارند.

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «نظم و انضباط»، به این نتیجه رسید که: عوامل بی نظمی شامل عوامل زیستی، روانی، عاطفی، اجتماعی، تربیتی و فرهنگی است. راه های دست یابی به نظم با تأکید بر عناصر برنامه ریزی، آگاهی، نشست و برخاست با افراد منظم، تشویق و تنبیه، ایجاد انگیزه، تقسیم کار، تقسیم وقت، استواری و پایداری، نام گذاری، دین داری و تبلیغ با رسانه های گروهی امکان پذیر می کند.

ساندی مبوها و ساندی ادوها (۲۰۱۹) در تحقیق خود نشان دادند که هر یک از دیدگاههای بیان شده در خصوص نظم اجتماعی تنها بخش کوچکی از حقیقت را در خود دارد، زیرا هر یک به توصیف آنچه در بعضی از جوامع یا بخشی از جوامع که دارای سبک های مختلف، در دوره های مختلف تاریخ و در موقعیت ها یا شرایط خاص است، پرداخته است. اما در نظر گرفتن هر کدام به عنوان "تئوری" نظم اجتماعی جهانی، غیر واقعی است. برای رهایی از این رویکرد غیر واقعی که برخی از بحث های جامعه شناختی نظم اجتماعی را در بر می گیرد، لازم است به یاد داشته باشید که اغلب هماهنگی اجتماعی به دست نمی آید، و اینکه نظم و نظم اجتماعی یک اصطلاح بسیار نسبی است. بی نظمی در یک جامعه خاص یا بخشی از جامعه نتیجه نیروهای پیچیده، وابستگی متقابل، همکاری و تعارض، قدرت و ضعف، اتحاد و شکاف بین افراد و گروه ها است. نتیجه تحقیق همچنین نشان داد که، چالشهای اجتماعی که در اثر بی نظمی ایجاد می شود و کشور را به خطر می اندازد و توسعه آن را کاهش می دهد، عبارتند از

فقر، فساد، نابرابری، میزان مرگ و میر کودکان، سطح پایین تحصیلات، فرقه گرایی، سرقت و حملات دزدی.

نتایج تحقیق لروین، مک گریمون و سیمپسون^۱ (۲۰۱۰) نشان داد که نظم اجتماعی فقط در صورتی امکان پذیر است که افراد از پیگیری های محدود منافع شخصی خود برای رسیدن به منافع بیشتر خودداری کنند.

مؤلف	سال	نتیجه
حجازی طاقانکی	۱۳۹۶	وقت شناسی، اجرای تدریجی قوانین جدید و حذف نظام‌های غلط از عوامل برقراری و حفظ نظم اجتماعی به شمار می‌روند. فساد و هواپرستی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بی‌نظمی اجتماعی به شمار می‌رود.
گرگیان و حسینی علیایی	۱۳۹۰	تأکید فراوان اسلام بر عدالت و پرهیز از ظلم و ستم به دیگران، ترجیح حقوق دیگران بر حقوق شخصی و ایجاد حس اخوت و برادری در میان افراد امت اسلامی می‌تواند جامعه و امت اسلامی را به منظم‌ترین و منضبط‌ترین اجتماع بشری مبدل نماید.
عصاریان نژاد و مؤمنی	۱۳۹۰	اختلال و نابسامانی در هنجارهای اجتماعی از اساسی‌ترین مولفه‌های بی‌نظمی اجتماعی است.
عبدی	۱۳۸۹	کسانی که دارای ناپابندگی مذهبی هستند و در زمینه پابندگی مذهبی هنوز به ثبات لازم نرسیده‌اند در زمینه انضباط اجتماعی احتمالاً آسیب پذیرترند.
حسامی	۱۳۸۸	عواملی همچون مشارکت، به هم پیوستگی و همبستگی در پیدایش نظم اجتماعی دخالت دارند
مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما	۱۳۸۶	برنامه ریزی، آگاهی، نشست و برخاست با افراد منظم، تشویق و تنبیه، ایجاد انگیزه، تقسیم کار، تقسیم وقت، استواری و پایدارباز راههای دستیابی به نظم اجتماعی است.

1- Irwin & McGrimmon & Simpson

چالش‌های اجتماعی که در اثر بی نظمی ایجاد می شود و کشور را به خطر می اندازد و توسعه آن را کاهش می دهد، عبارتند از فقر، فساد، نابرابری، میزان مرگ و میر کودکان، سطح پایین تحصیلات، فرقه گرایی، سرقت و حملات دزدی.	۲۰۱۹	ساندی مبوها و ساندی ادوها
نظم اجتماعی فقط در صورتی امکان پذیر است که افراد از پیگیری های محدود منافع شخصی خود برای رسیدن به منافع بیشتر خودداری کنند.	۲۰۱۰	لروین، مک گریسون و سیمپسون

به نظر می رسد تألیفات داخلی مورد اشاره بیشتر به کلیات بسنده نموده اند. و در برخی موارد (پژوهش های حجازی طاقانکی (۱۳۹۶)، صمدی (۱۳۹۰)، گرجیان و حسنی علیایی (۱۳۹۰)، حسامی (۱۳۸۸)) بیشتر عوامل مدیریتی بررسی شده اند.

تحقیقی که توسط ساندی مبوها و ساندی ادوها (۲۰۱۹) انجام شده است از این جهت که به بررسی موانع انضباط اجتماعی پرداخته اند تا حدودی به تحقیق حاضر تشابهاتی دارد. اما در این تحقیق نیز صرفاً از بعد مدیریتی به موضوع پرداخته شده است و سایر ابعاد بویژه بعد فرهنگی مورد بررسی قرار نگرفته است. در حالی که در این تحقیق به صورت ویژه موانع و راهکارهای فرهنگی که در تحقق انضباط اجتماعی تأثیر بیشتری دارند، استنتاج و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت عملی

- علی رغم داشتن رهنمودها و دستورالعمل های دینی، همچنان شاهد عدم پایداری به انضباط اجتماعی در جامعه و عدم احترام به حقوق دیگران و قوانین هستیم. رفع این معضل در جامعه و تقویت انضباط اجتماعی یکی از دلایلی است که ضرورت این تحقیق را موجب شده است. شناسایی موانع و ارائه راهکار بر اساس رهنمودهای امام علی (علیه السلام) به تحقق این هدف کمک خواهد نمود.
- برای انضباط اجتماعی نه تنها باید از طریق کار فرهنگی، احترام به قانون و مقررات را به عنوان یک ارزش در وجود افراد جامعه، درونی ساخت، بلکه لازم است از طریق بررسی،

مطالعه و شناسایی عوامل مؤثر باین پدیده مهم، در جهت استقرار و حاکمیت انضباط اجتماعی در جامعه یاری کرد. لازمه این امر، این است که عوامل مؤثر و مرتبط با انضباط اجتماعی را شناسایی، موانع را تضعیف و راهکارهای تسهیل کننده و مشوق را تقویت کرد.

اهمیت نظری

- انسان باید راه‌هایی را که بزرگان دین طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، مطالعه کند و عوامل پیروزی را از آنان بیاموزد. بدون تردید یکی از عوامل ترقی آنان، رعایت انضباط و عمل جدی به برنامه‌ای منظم بوده است. علی‌رغم اهمیت موضوع نظم و انضباط بویژه انضباط اجتماعی در مباحث اسلامی و تأکید اهل بیت (علیهم‌السلام)، به خصوص امام علی (علیه‌السلام) در آخرین وصیت خود، در خصوص نظم و انضباط اجتماعی، مطالعه و بحث در خوری صورت نگرفته است. بنابراین بررسی زوایای بیشتری از انضباط اجتماعی دارای اهمیت می‌باشد
- مقوله نظم و انضباط، در آموزه‌های مکتبی ما از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردار است که مولای متقیان علی (علیه‌السلام) در آخرین دقایق عمر شریف خویش، امت را به تقوای الهی و رعایت نظم در امور دعوت می‌کنند. (نامه ۴۷) تمسک به فرمایشات امیر المومنین (علیه‌السلام) در رابطه با انضباط اجتماعی می‌تواند راهگشای حل تعارضات و بهبود و ارتقای جامعه باشد. از اینرو پرداختن به موضوع انضباط اجتماعی ضروری می‌باشد.
- از آنجا که انضباط اجتماعی، دارای ارتباطی چندسویه با دیگر حوزه‌های زندگی، مطالبه‌ای دینی، ملی و عرفی، شاخصی برای میزان پیشرفت و توسعه است، از این منظر نیز بررسی و تحلیل این موضوع ضرورت دارد.

اهداف تحقیق

- بررسی جایگاه و اهمیت انضباط اجتماعی
- شناسایی و تحلیل شاخصه‌های انضباط اجتماعی
- شناسایی و تحلیل موانع فرهنگی انضباط اجتماعی
- احصاء و تحلیل راهکارهای فرهنگی انضباط اجتماعی

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، دو روش؛ تحلیلی و استنتاجی است. بدین گونه که برای پاسخ به سؤال اول از روش تحلیلی و برای پاسخ به سؤالات دوم، سوم و چهارم ابتدا شاخصه‌ها، موانع و راهکارها استنتاج شده و سپس تحلیل شده است. بنابراین برای پاسخ به سؤالات دوم، سوم و چهارم از روش ترکیبی استنتاجی-تحلیلی استفاده شده است.

هم چنین در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای نیز استفاده می‌شود. جستجو در میان کتاب‌ها و مقالات موجود در کتابخانه‌ها و ژورنال‌ها و سایت‌های تخصصی در این زمینه و فیش برداری از آنها در انجام مراحل تحقیق از ضروریات می‌باشد.

در این تحقیق، با اتکا به منابع و اسناد موجود در ارتباط با انضباط اجتماعی بطور عام و انضباط اجتماعی در آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام) و بخصوص نهج البلاغه بطور ویژه، اهداف تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

انضباط اجتماعی در جامعه چه جایگاه و اهمیتی دارد؟

اهمیت انضباط اجتماعی را دو گونه می‌توان نشان داد:

اهمیت در جهان امروز

شناخت ماهیت نظم و انضباط اجتماعی و نیز چگونگی تحقق آن، یکی از دغدغه‌های مهم انسان است. مسئله‌ی نظم و برنامه‌ریزی اجتماعی از مباحث مهم جامعه‌شناسی است. یکی از جامعه‌شناسان به نام الکساندر جفری پیرامون اهمیت نظم و انضباط چنین می‌گوید:

هیچ نظریه‌ای در جامعه‌شناسی نیست مگر اینکه بایسته است راه‌حلی در قبال مسئله‌ی نظم داشته باشد (روزنبرگ و آلفرد کوزو، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱).

آگوست گنت نخستین بار اصول جامعه‌شناسی را تدوین کرد؛ اما همواره به جامعه‌شناسی به عنوان علمی نظم دهنده می‌نگریست، زیرا وی به سبب انقلاب فرانسه، آشوب‌های اجتماعی آن را دیده بود (روزنبرگ و آلفرد کوزو، ۱۳۸۷، ص ۱۸۷).

در دنیای معاصر و با توجه به پیشرفت فزاینده‌ی علوم، می‌توان به اهمیت نظم پی برد. فرآیند جهانی شدن و بروز تحولات سریع اجتماعی و نیز مسئله‌ی نظم نوین جهانی ما را بر آن می‌دارد که بیش از پیش به مسئله‌ی نظم و نحوه‌ی پاسداری از آن اهتمام ورزیم.

اهمیت بر پایه دین

آفرینش بر پایه نظم استوار است. دستگاه خلقت، هر پدیده‌ای را در جای خود قرار داده و برای آن مأموریت و رسالتی متذکر شده است. اجرام آسمانی در مدار معینی حرکت می‌کنند، حرکت زمین نظم خاصی دارد، فصول و گذر روز و شب یادآور نظم معین است و حکمت الهی اقتضا می‌کند هر حادثه‌ای در زمان معین شکل گیرد. حرکت سیاره‌ها، نظم زمین و تمام اجزای درون آن و نیز نظمی که بر اندام انسان حاکم است، همه و همه معلول تدبیر خداوند حکیم و مدبر است:

«إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (سوره قمر، آیه ۴۹)؛ ماییم که همه چیز را به اندازه آفریدیم.

قرآن کریم نظم حاکم بر جهان را به رخ انسان می‌کشانند و به او متذکر می‌شود تا با تدبیر در آن قدرت بی‌نهایت، خالق را ببیند و به توحید دست یابد. حال که نظم در پهنه گیتی و صحنه هستی موج می‌زند، چه بهتر که انسان هم در زندگی فردی و اجتماعی خود نظم و ترتیب را مراعات کند و به زندگی خویش رنگ نظم بزند.

اینکه امیرمؤمنان (علیه السلام) در وصف قرآن می‌فرمایند: «بدانید که در آن علم آینده و سخن از گذشته و دواى درد شما و باعث تنظیم و ساماندهی میان شماسست» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶۳۴۷) می‌تواند اشارتی باشد بر این معنا که قرآن در باب نظم و انضباط اجتماعی که موضوعی حیاتی است، خود اقدام به تربیت و آموزش کرده و تنها به ذکر قاعده و چارچوب و تفویض مسئولیت به مؤمنان اکتفا نکرده است. افزون بر قرآن، سیره رفتاری و گفتاری معصومان (علیهم السلام) و اولیای الهی که در این مکتب تربیت شده و رشد یافته‌اند، سرشار از مصادیق رعایت نظم و انضباط فردی و اجتماعی در حوزه مسائل فردی و اجتماعی است که در کتب سیره، نمونه‌های متعددی از آن درج شده است (تاج مزینانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹).

بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه؛ انضباط اجتماعی چه شاخصه‌هایی دارد؟

با توجه به جنبه درونی بودن انضباط اجتماعی، شاخصه‌های انضباط اجتماعی نیز بر اساس درونی بودن احصاء می‌شوند:

الهی بودن

الهی بودن نظم اشاره به آن دارد که اساس نظم از خاستگاه الهی برخوردار بوده و قوانین حاکم بر آن از سوی کسی است که به تمام احوال و جوانب انسانی آگاهی لازم دارد. این شرط، شرط لازم برای مکتبی

است که در پی آن است تا امورات مختلف فردی و اجتماعی انسان را در دوره زمانی پایدار، سازمان داده و شرایط مطلوب زیستن را برای وی فراهم نماید.

بنا به فرمایش حضرت علی (علیه السلام) خداوند تمام اسباب و علل را برای تحقق حیات دینی و معنوی انسان فراهم نموده و تمامی امور نظام آفرینش را به نحو احسن اداره می کند. آن حضرت در توصیف مدیریت خداوند می فرماید:

«وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ دَبَّرَهَا بِلُطْفِهِ وَأَمْسَكَهَا بِأَمْرِهِ وَاتَّقَنَهَا بِقُدْرَتِهِ» (شهیدی، خطبه ۱۸۶)

لیکن خدای سبحان به لطف خود در کارش اندیشید، و به امر خویش نگاهش داشت و به قدرت خود استواری اش بخشید.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ عَنِ شَبِّهِ الْمَخْلُوقِينَ الْعَالِبِ لِقَالَ الْوَاصِفِينَ الظَّاهِرِ بِجَبَابِ تَدْبِيرِهِ لِلنَّاطِرِينَ وَ الْبَاطِنِ بِجَلَالِ عَزَّتِهِ عَنِ فِكْرِ الْمُتَوَهِّمِينَ الْعَالِمِ بِلاَ اكْتِسَابٍ وَلَا اِزْدِيَادٍ وَلَا عِلْمٍ مُسْتَفَادٍ الْقَدَّرِ لِحَمِيعِ الْأُمُورِ بِلاَ رُؤْيَةٍ وَلَا ضَمِيرٍ الَّذِي لَا تَعْشَاهُ الظُّلُمُ وَلَا يَسْتَضِيءُ بِالْأَنْوَارِ وَلَا يَهْفُهُ لَيْلٌ وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ نَهَارٌ لَيْسَ إِذْرَاكُهُ بِالْإِبْصَارِ وَلَا عِلْمُهُ بِالْإِخْبَارِ» (شهیدی، خطبه ۲۰۳)

سپاس خدای را که برتر است از ماندگی به آفریدگان، و فراتر از گفتار ستابندگان. با تدبیرهای شگفتش برای نگرندگان آشکار است، و با بزرگی و ارجمندیش، از اندیشه خداوندان و هم برکنار. داناست بی اندوختن و افزودن دانش، و نه دانشی فرا گرفته به کوشش. آفریننده هر چیز است به اندازه و بی کاستی و فزونی، نه با به کار بردن فکر و نه به اندیشه درونی. تاریکیها او را نپوشاند، و از نورها روشنی نستاند. نه شب بر او بگذرد و نه در روز به سر برد. دریافت او به دیدن نیست، و نه دانش او از راه خبر شنیدن.

از دیدگاه توحیدی جهان خلقت همه در راستای بندگی خدا تنظیم شده است. بدین نحو که بنا به حدیث قدسی خداوند انسان را برای خود آفرید و مجموعه عالم را نیز در خدمت انسان قرار داد تا او به نحو احسن از پی وظیفه انسانی خویش برآید. (عاملی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۱)

حضرت علی (علیه السلام) در زمینه تنظیم نظام آفرینش در جهت تأمین منافع انسان می فرماید:

«الْأَرْضُ وَالْأَرْضُ الَّتِي تُقَالُكُمْ وَالسَّمَاءُ الَّتِي تُظَلُّكُمْ مُطِيعَتَانِ لِرَبِّكُمْ وَمَا أَصْبَحْتَاجُودَانِ لَكُمْ بِرَبِّكُمَا تَوْجَعَا لَكُمْ وَلَا زُلْفَةٌ إِلَيْكُمْ وَلَا لِحْجِرٍ تَرْجُوَانِهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ أَمْرَتَا بِمَنَافِعِكُمْ فَاطَاعَتَا وَ أَيْمَتَا عَلَى خُدُودِ مَصَالِحِكُمْ فَقَامَتَا» (شهیدی، خطبه ۱۴۳)

بدانید زمینی که شما را بر پشت خود می برد، و آسمانی که بر شما سایه می گسترد، پروردگار شما را فرمانبردارند. و برکت آن دو بر شما نه از راه دلسوزی است، و نه به خاطر جستن نزدیکی، و نه به امید خیری است که از شما دارند، بلکه به سود شما مامور شدند و گردن نهادند، و برای مصلحت شما بر پاشان داشتند، و ایستادند.

از این رو آن حضرت در آنجا که با خداوند راز و نیاز دارد، این گونه با خداوند سخن می گوید:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْأَنْسِينَ لِأَوْلِيَانِكَ وَأَخْصَرَهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ تُشَاهِدُهُمْ فِي سَرَائِرِهِمْ وَ تَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي صَمَائِرِهِمْ وَ تَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ فَأَسْرَأْهُمْ لَكَ مَكْشُوفَةً (شهیدی، خطبه ۲۲۷)

خدایا! تو به دوستان از همه بی پشیمان تری، و برای آنان که به تو توکل کنند از هر کس کاردان تر. بر نهانیهایشان بینایی و به درونیهایشان آگاه، و بر مقدار بینش آنان دانا. رازهایشان نزد تو آشکار است.

وحيانی بودن

سازوکار ارتباط عملکرد انسانی با قوانین الهی، وحی و پیام الهی است که از طریق پیام‌رسانان الهی برای بندگان قابل دریافت است. وحيانی بودن پیام به معنی آن است که پیام‌دهنده شخصیتی فوق بشری است که در عین حال توانایی درک انسان به عنوان پیام‌گیرنده را دارد. به عبارتی، خداوند پیام وحی خود را مطابق با نیاز انسان تنظیم کرده است. حضرت علی (علیه السلام) از وحی به عنوان امانت الهی یاد کرده که خداوند بر دوش پیامبران (علیهم السلام) گذاشته تا آنها، به شکل مطلوب آن را به بندگان خدا رسانده و پیام الهی را بر ایشان ابلاغ نمایند. در ابتدای نهج البلاغه حضرت چنین می فرماید: « و از پیامبران (علیهم السلام) به زبان وحی پیمان ستد و هر پیامبر آن را شنید، که امانت او نگاه دارد و حکم خدا را به دیگران برساند، » (شهیدی، خطبه ۱).

قرآن، کتاب همیشه ماندگار الهی، صورت عینی وحی الهی است که بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده و به عنوان منبعی غنی، در دسترس بندگان خداوند قرار گرفته تا هر زمان بخواهند بتوانند بدان رجوع نموده و تکالیف الهی خویش را از طریق آن دنبال نمایند. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه قرآن را منبعی غنی و معتبر برای حل مسائل فردی و اجتماعی دانسته که قوانین آن برای همیشه، لازم الاجراست. در این زمینه می فرماید: « إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَائِيَّتِي وَ الْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءٌ دَائِكُمْ وَ نَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ » (شهیدی،

خطبه ۱۵۸)؛ بدانید که در قرآن علم آینده است، و حدیث گذشته. درد شما را درمان است، و راه سامان دادن کارتان در آن است.

فطری بودن

دریافت وحی و پیام الهی خاستگاه درونی داشته و همین زمینه پذیرش وحی را فراهم می‌سازد. آنجا که انسان از شر و بدی فاصله می‌گیرد و تلاش می‌کند تا هر آنچه را که مظهر خیر و خوبی است در خود ایجاد نماید، فطرت ناب انسانی خود را به نمایش می‌گذارد. در زمینه قوانین الهی نیز آنچه خداوند از عالم بالا به عنوان دستور خویش بر بندگان حتم و لازم گردانده، از جانب فطرت انسانی نیز حکم به صحت و مقبولیت آن شده و زمینه اجرای آن در عمل، فراهم آمده است. «چون انسان از نظر روان و فطرت خداجوست، و در روانشناسی امروز نیز بعد مذهبی را یکی از ابعاد وجودی روح آدمی پذیرفته‌اند، اگر موانعی نباشد، انسان از نظر روان و فطرت به خدا گرایش دارد و خدا را در همه جا می‌جوید» (دستی، ۱۳۹۰، ص ۲۵). بر این اساس حضرت امیر در نهج البلاغه به این مطلب اشاره داشته و هدف از بعثت پیامبران (علیهم‌السلام) از طرف خدا بر انسانها را اینگونه بیان می‌دارد: «پس هر چند گاه پیامبرانی (علیهم‌السلام) فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق الست بگزارند، و نعمت فراموش کرده را به یاد آرند. با حجت و تبلیغ، چراغ معرفتشان را بی‌فروزند تا به آیتهای خدا چشم دوزند. از آسمانی بالا برده و زمینی زیرشان گسترده، و آنچه بدان زنده اند و چسان می‌میرند و نا پابنده اند، و بیماریهای پیر کننده و بلاهای پیایی رسنده، و هیچ گاه نبود که خدا آفریدگان را بی پیامبر بدارد، یا کتابی در دسترس آنان نگذارد، یا حجتی بر آنان نگمارد، یا از نشان دادن راه راست دریغ دارد.» (شهیدی، خطبه ۱). از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)، فطرت در تمامی انسانها به ودیعت نهاده شده است، آنچه در این میان اهمیت دارد بستر سازی لازم برای احیاء این گوهر پاک انسانی جهت پیروی از دستورات الهی است.

حقانی بودن

خصیصه ممتاز و منحصر به فرد قانون الهی، حقیقت و اصل بودن آن است. در میان تمام قوانین حاکم این تنها قانون الهی است که می‌تواند ادعای اتصال به حقیقت را برای خود داشته باشد. در دیدگاه توحیدی خدا یکی است و درعین حال قادر و غالب بر همه چیز است. از طرفی خداوند علیم و حکیم است. پس در این صورت قوانینی که خداوند صادر می‌کند نمی‌تواند نسیبی، خطاپذیر و یا ناقص باشد، بلکه قوانین الهی کامل، جامع و حقیقت محض است که در زمان ها و مکان های گوناگون از اعتبار

مطلق برخوردار است. اصولاً در دیدگاه اسلامی حق یکی است و نمی‌تواند متکثر و نسبی باشد. حضرت علی (علیه السلام) خصیصه اسلام را در زمینه حقانیت ذاتی آن چنین برمی‌شمرد:

«الإسلام دين الله الذي اصطفاه لنفسه واصطنعه على عينه واصفاه خيرة خلقه واقام دعائه على محبته» (شهیدی، خطبه ۱۹۸)

اسلام دین خداست که آن را برای خود گزید، و به دیده عنایت خویشش پرورید، و بهترین آفریدگان خود را مخصوص رساندن آن به مردمان گردانید. ستونهای آن را بر دوستی خود استوار داشت. از این رو سعادت حقیقی انسان را در پذیرش اسلام دانسته و می‌فرماید:

«فَمَنْ يَتَّبِعْ عَمْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا تَحَقَّقَ شَفْوَتُهُ وَتَنْفَصِمَ عُرْوَتُهُ وَتَعْظُمَ كِبْوَتُهُ وَيَكُنْ مَأْبَهُ إِلَى الْحُزْنِ الطَّوِيلِ وَالْعَذَابِ الْوَيْلِ» (شهیدی، خطبه ۱۶۱)

هر که جز اسلام دینی را پیروی کند به یقین بدبخت است، و پیوند او با خدا بریده، و به سر در افتادن او سخت. پایان کارش اندوهی است دراز، و عذابی دشوار و جانگداز.

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) اسلام دینی کامل و جامع تمام ادیان الهی است و به همین خاطر انتخاب هر دینی به غیر از اسلام، نمی‌تواند برنامه‌های متقنی را در اختیار انسان بگذارد و فرد و جامعه را به مقصود مطلوب رهنمون سازد.

شاخصه‌های انضباط اجتماعی بر آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام)

ردیف	شاخصه‌ها	مصادیق
۱	الهی بودن	خطبه ۱۸۶ - خطبه ۲۳۱ - خطبه ۱۴۳ - خطبه ۲۲۷
۲	وحيانی بودن	خطبه ۱ - خطبه ۱۵۸
۳	فطری بودن	خطبه ۱
۴	حقانی بودن	خطبه ۱۶۱ - خطبه ۱۹۸

بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه؛ چه موانع فرهنگی در تحقق

انضباط اجتماعی در جامعه وجود دارد؟

منظور از موانع فرهنگی در این تحقیق عوامل سلبی است که به صورت عرف و عادات و به شکل طبیعت ثانوی مزمین در برابر پیدایش، ژرفایش یا گسترش انضباط اجتماعی توسط فرد یا جمع ایجاد مقاومت می‌کند.

تعصب

تعصب در واقع عبارت از قضاوت زودرس می باشد که بدون در نظر گرفتن کلیه اطلاعات بوده و در مورد مسئله خاصی انجام می گیرد. رفتار همراه با تعصب نه تنها به دشواری تغییر پذیر است بلکه محتوای عاطفی شدید نیز در بر دارد. (اقلیما، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲) ستیزه جویی و پافشاری تعصب آمیز و بدون دلیل اندیشه صحیح را از میان می برد. امام علی (علیه السلام) در این خصوص فرموده اند:

«الْبُحَاغَةُ تُسَلُّ الرُّأْيَ» (شهیدی، حکمت ۱۷۹)؛ ستیز، تدبیر را باطل کند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه معروف «قاصعه» که اساس آن بر نفی تکبر و تعصب است عامل اصلی انحراف و بدبختی ابلیس را تعصب و تکبر می شمرد، و می فرماید: «هنگامی که خداوند به فرشتگان دستور داد برای آدم (علیه السلام) سجده کنند، همگی اطاعت کردند جز ابلیس» سپس می افزاید:

«اعْتَرَصَتْهُ الْحَمِيَّةُ فَأَفْتَحَ عَلَى آدَمَ بِحَلْقِهِ وَتَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ فَعَدَّ وَاللَّهِ إِمَامَ الْمُتَعَصِّبِينَ وَسَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصِيَّةِ (خطبه ۱۹۲)

تکبر و تعصب به او دست داد، و بر آدم (علیه السلام) به خاطر خلقت خویش افتخار کرد، و از جهت اصل و ریشه خود نسبت به او تعصب ورزید، به همین دلیل این دشمن خدا پیشوای متعصبان، و سر سلسله مستکبران است، و کسی است که بنای تعصب را پی ریزی کرد!»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در نهج البلاغه در بخش دیگری از خطبه قاصعه می فرماید:

«فَاطْفُوا مَا كَمُنَ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصِيَّةِ وَأَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَنَحْوَاتِهِ وَنَزَعَاتِهِ وَنَفَقَاتِهِ؛

شراره های تعصب و کینه های جاهلیت را که در دل های شما پنهان شده است، خاموش سازید؛ زیرا که این تعصب [ناروا] در مسلمانان از القائات و کبر و نخوت و فریبها و وسوسه های شیطان است.»

شتاب زدگی در امور

از مسائل مهم در اداره ی امور این است که زمامداران و مدیران از شتاب زدگی و سستی بپرهیزند، چه در تصمیم گیری و چه در اجرای امور؛ یعنی پیش از فراهم شدن اسباب لازم، شتاب نورزند؛ و به هنگام امکان عملی امور، فرصت را از دست ندهند. شتاب زدگی در تصمیم گیری یا اجرای کار، نظام مدیریت را مختل می سازد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این نامه به مالک اشتر در عهدنامه مشهور خود نوشته است:

وایاک و المحله بالامور قبل اوانها، او التساقط فیها عندا مکانها، او الجاجه فیها اذا تنکرت، او الوهن عنها اذا استوصحت، فضع کل امر موضعه، و اوقع کل عمل موقعه. (شهیدی، نامه ۵۳)

و بیرهیز از شتاب در کارهایی که هنگام انجام آن نرسیده، یا سستی در آن چون انجامش ممکن گردیده، یا ستیزیدن در کارهایی که راه راست در آن ناپدیدار است، یا سستی ورزیدن آنگاه که آشکار است. پس هر چیز را در جای آن بدار و هر کاری را به هنگام آن بگزار.

هر کاری باید با فراهم شدن مقدمات آن محقق شود و هر امری در وقت خودش صورت گیرد؛ اما اگر مقدمات کاری فراهم نشده باشد و زمان آن کار حاصل نگشته باشد، نمی توان به نتیجه ی مطلوب رسید. انجام دادن کارها پیش از فراهم کردن مقدمات شان و پیش از رسیدن زمانشان، کاری است غیر خردمندانه که اسباب رویاروی شدن با مشکلات فراوان و به وجود آمدن خسارات و آسیب های بسیاری می شود و در خیلی مواقع نیز کاری صورت نمی گیرد.

شتاب زدگی در تصمیم گیری و اجرا، مدیریتی غیر خردمندانه است و با چنین مدیریتی هرگز به مقصد نمی توان رسید. به بیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام):

«من الحرق المعاجله قبل الامکان، والانه بعد الفرصه» (حکمت ۳۶۳)

از ابله‌ی است پیش از توانا بودن شتابیدن، و پس از فرصت داشتن درنگ ورزیدن.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به یاران خود در این باره فرمود:

«ولا تعجلوا فی امر حتی تدبئوا.» (خطبه ۱۷۳) در هیچ کاری تا بر شما روشن نشود شتاب مکنید.

آن حضرت به یاران خود که در تصمیم گیری و اقدام کردن در برابر دشمنان از خود شتابزدگی نشان می دادند، فرمود:

«الزموا الارض، واصبروا علی البلاء. ولا تحركوا بایديکم و سيوفکم فی هوی السننکم؛ ولا تستعجلوا بما لم یعجله الله لکم.» (خطبه ۱۹۰)

بر جای خود بایستید و در برابر بلاها و مشکلات شکیباشید. شمشیرهایتان را در هوای زبان های خویش به کار مدارید، و در آن چه خدا شما را بدان نیانگیخته شتاب مدارید.

زامداران و مدیران خردمند هرگز نسنجیده عمل نمی کنند و گرفتار شتاب زدگی در تصمیم گیری و عمل نمی شوند و در هر امر، پس از شنیدن و اندیشیدن و بررسی همه ی جوانب آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند، چنان که علی (علیه السلام) یادآور شده است:

«فَأَمَّا الْبَصِيرُ مِنْ سَمْعٍ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَبَصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعَبْرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدِّدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَالضَّلَالِ فِي الْمَعَاوِي.» (خطبه ۱۵۳)

انسان بصیر و بینا کسی است که بشنود و بیندیشد، و ببیند و به دل، بیناگردد، و از آن چه مایه ی عبرت است سود گزیند؛ سپس راهی روشن در پیش گیرد و از افتادن در پرتگاهها و گم شدن در کوره راه ها دوری نماید.

تنبلی و سستی در امور

البته همان طور که باید از شتاب زدگی و عجله در تصمیم گیری و عمل پرهیز کرد، باید از سستی و کاهلی و کندی نیز اجتناب نمود.

تضییع حقوق از خطرناک ترین پدیده ها در اداره ی امور است و با سستی و کاهلی امکان ندارد بتوان حقی را بر پا داشت و باطلی را دفع نمود. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در حکمتی نورانی فرموده است:

«مَنْ اطَاعَ التَّوَانِي صَبَحَ الْحَقُّوقَ.» (حکمت ۲۳۹)

حضرت همچنین می فرمایند:

«از تنبلی دوری کنید، زیرا هر کس تنبلی کند، نمی تواند حق خداوند را انجام دهد» (صدق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۰)

کسی که در ادای حقوق دیگران سستی و تنبلی به خرج دهد، در احقاق حقوق خود نیز کاهل و تنبل خواهد بود. تأمین آزادی و احقاق حق هیچ گاه با تنبلی به دست نخواهد آمد. (مطهری، ج ۲۵، ص ۱۴۲)

ترک امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه الهی، همچنان که در احادیث اشاره شده، ضامن اجرای دیگر فرایض و تضمین کننده قوام و بقای جامعه سالم است. امر به معروف و نهی از منکر، راه رسیدن جامعه به رشد و تکامل را هموار میکند و جامعه را از بسیاریاز خطاها و خطرات مصون نگه میدارد. ترک این واجب بزرگ به هر دلیلی که باشد، آغاز کننده سقوط و انحراف و انحطاط جامعه خواهد بود. امام علی (علیه السلام) فرموده اند:

وَاعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْكُمْ فِي زَمَانٍ الْقَائِلُ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ وَاللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى الْعِضْيَانِ مُضْطَلِّونَ عَلَى الْإِدْهَانِ فَتَاهُمْ عَارِمٌ وَسَائِبُهُمْ آئِمٌ وَعَالِمُهُمْ مُنَافِقٌ وَقَارِئُهُمْ مُمَادِقٌ لَا يَعْظُمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَلَا يَعُولُ غَنِيمُهُمْ فَقِيرُهُمْ.

بدانید خدایتان بیامرزاد! شما در زمانی به سر می برید که گوینده حق اندک است در آن، و زبان در گفتن راست ناتوان. آنان که با حق اند خوارند و مردم به نافرمانی خدا گرفتار، و سازش با یکدیگر را

پذیرفتار. جوانشان بدخو و پیرشان گنهگار. عالیشان دورو، قاری شان سود خود جو نه خردشان سالمند را حرمت نهد، و نه توانگرشان مستمند را کمک دهد. (شهیدی، خطبه ۲۳۳)

ترک امر به معروف و نهی از منکر، نشانه عدم اقبال و توجه عمومی به سرنوشت اجتماع است.

چاپلوسی

تملق و چاپلوسی از رذایل اخلاقی است. کسی که چاپلوس است و هم آن کسی که تملق را دوست می دارد و انتظار حمد و ثنای بی مورد و بیجا دارد، از فضیلت اخلاقی به دور هستند. چاپلوسی برای فرد و جامعه تأثیرات زیانباری دارد. از این رو در آیات و روایات از اینگونه خلق و خوی پرهیز داده شده است. امام علی (علیه السلام) در بیان آسیب هایی که تملق و چاپلوسی برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت، می فرماید:

النَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ (حکمت ۳۳۹).

امام (علیه السلام) در باره چاپلوسی) فرموده است: ۱- ستودن (دیگری) بیش از آنچه (او) شایسته است چاپلوسی (و نشانه دورویی) می باشد، و کمتر از آنچه سزاوار است ناتوانی (و واماندن در سخن) یا رشک بردن (بر او) است (پس عدل و برابری در آنست که هر کس را باندازه شایستگی ستوده مقام و منزلتش را آشکار سازیم).

اگر در جامعه ای حق نصیحت و انتقاد آزاد باشد، روابط اجتماعی و مناسبات سیاسی از سلامت بیشتری برخوردار است. زیرا در صورت آزادی بیان و گشوده بودن راه نصیحت و انتقاد است که کاستی ها و نواقص آشکار و سعی در رفع آنها می شود. از این رو امام علی (علیه السلام) در بیانی فرمود:

من واجب حقوق الله على العباد النصيحة بمبلغ جهدهم و التعاون على اقامة الحق بينهم؛ و از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان اندرز دادن و کمک و یاری به یکدیگر است برای اجرای حق بین خودشان به قدر کوشش و توانایی (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

در واقع از مهم ترین آفات و عوامل عقب ماندگی جوامع، رواج روحیه ی تملق و چاپلوسی است. از این رو ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه دینی و از راه های مقابله با این آفت است. زیرا زمینه ای فراهم می آورد که عیوب مطرح شده و ضعفها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود در این صورت انضباط اجتماعی در جامعه گسترش خواهد یافت.

گفتار بی اندیشه

در گفتار انسان ویژگی حکمت و هدفمندی نهفته است. هر اندازه هوشمندی و دانایی فردی بیشتر و بهتر باشد، نظم و ترتیب نوشته‌ها و یا گفته‌هایش مهنادارتر و هدفمندتر است. حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه (نهج البلاغه) زبان فرد عاقل و دانا پشت قلب اوست و قلب احمق و نادان پشت زبان او. این سخن گهربار نشان از آن دارد که سخنان عاقل پس از حکمت سنجی های قلب (اندیشه) بیان می شود. آن چه بر صفحه روح انسان نقش می بندد، قبل از هر چیز بر صفحه زبان و در لابلای گفته های او ظاهر می شود و در یک کلام گفتار آدمی بیانگر شخصیت اوست.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «اللُّسَانُ سَعِيٌّ إِنْ خُلِيَ عَنْهُ» (حکمت ۵۷)

امام (علیه السلام) در زبان گفتار بی اندیشه) فرموده است: ۱- زبان (مانند حیوان) درنده ای است که اگر بخود واگزار شود (بی اندیشه و راهنمایی عقل هر چه خواهد بگوید گوینده را) می گزد (سبب تباهی او میشود).

عدم رشد فرهنگی

نمود رشد فرهنگی، یکی دیگر از موانع انضباط اجتماعی است. هنگامی که رعایت نظم و مقررات و قوانین در جامعه، به یک فرهنگ تبدیل شود و نسبت به آن احساس نیاز کنند، کم تر کسی حاضر به نقض مقررات و ضوابط خواهد شد.

به همان اندازه که نظم مایه استحکام و احتیاط در عمل است، بی نظمی، مایه سستی و کوتاهی در عمل است، و کوتاهی در عمل، مایه پشیمانی است. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

ثمرة التفريط الندامة (حکمت ۱۷۲) ثمره کم کاری و کوتاهی، پشیمانی است.

جهل و تقلید کورکورانه

جهل در تمام ابعاد زندگی مشکل آفرین است و شأن دین، مخالفت با کوری و نادانی و ایجاد بینش و دانایی و گام نهادن در مسیر هدایت و پیروزی از حق است.

امام علی (علیه السلام) ریشه استبدادپذیری و حقارت را جهالت و بی بصیرتی دانسته که برای رفع آن لازم است مردم آگاه شوند و تربیت یابند. از این رو می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَأَلَيْكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْبَا تَعْلَمُوا.

ای مردم مرا بر شما حقی و شما را بر من حقی است. اما حقی که شما بر من دارید نصیحت کردن به شماست و رساندن غنیمت و حقوق به شما است به تمامی و یاد دادن به شماست تا نادان نمانید و تربیت نمودن شماست تا بیاموزید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

موانع فرهنگی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام)

مؤلفه ها	مصادیق
شتاب زدگی در امور	نامه ۵۳- حکمت ۳۶۳- خطبه ۱۷۳- خطبه ۱۹۰- خطبه ۱۵۳
تنبلی و سستی در امور	حکمت ۲۳۹
ترک امر به معروف و نهی از منکر	خطبه ۲۳۳
چاپلوسی	حکمت ۳۳۹- خطبه ۲۱۶
گفتار بی اندیشه	حکمت ۵۷
عدم رشد فرهنگی	حکمت ۱۷۲
جهل و تقلید کورکورانه	خطبه ۳۴
تعصب	خطبه ۱۹۲- حکمت ۱۷۹

بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه؛ راهکارهای فرهنگی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی کدام اند؟

داشتن هدف واقعی در زندگی

هدفداری و هدفمندی در زندگی نشانه داشتن نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی است. افرادی که نمی دانند برای چه زندگی می کنند و به دنبال هدف خاصی نبوده و زندگی پوچی و بی مفهومی دارند دچار تزلزل روحی می شوند. انسانی دارای روان سالم است که مومن باشد و مومن کسی است که اگر روانش گهگاهی دچار اختلال شود با یاد خدا و درک حضور او در زندگی اش و انجام فرامین الهی به ترمیم روان خویش اقدام نماید.

امام علی (علیه السلام) بر معنادار بودن زندگی تاکید کرده و می فرماید :

«وَكُونُوا قَوْمًا صَوِّحًا لَهُمْ فَانْتَبَهُوا وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدُّوا فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَلَمْ يَشْرِكْكُمْ سُدًى»

چون مردمی باشید که بانگ بر آنان زدند و بیدار گشتند، دنیا را ناپایدار دیدند و از سران گذشتند، آخرت جاویدان را گرفتند و جهان فانی را هشتند. چه خدای سبحان شمارا به بازیچه نیافرید، و به خود وانگذاشت، تا هر چند که خواهید در دنیا به سر برید. (شهیدی، خطبه ۶۴)

پرهیز از تکلف در زندگی

یکی از راه های تحقق انضباط اجتماعی پرهیز از دل بستن به دنیا و تکلف در زندگی است. امیرمومنان علی (علیه السلام) فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَتَاعُ الدُّنْيَا حَطَامٌ مُؤَبَّدٌ فَتَجَبَّوْا مَرْعَاهُ قَلْعُهَا أَخْطَى مِنْ طَمَأْنِينِهَا وَبُلْعُهَا أَرْكَى مِنْ ثَرْوَتِهَا حَكِيمٌ عَلَى مَكْثٍ مِنْهَا بِالْفَاقَةِ وَأَعِينٌ مَنْ عَنِ عَنْهَا بِالرَّاحَةِ مَنْ رَاقَهُ زَبْرُجَهَا أَعْقَبَتْ نَاطِرٌ بِهِ كَمَهَا وَ مَنْ اسْتَسْعَرَ الشَّعْفَ بِهَا مَلَأَتْ صَمِيرُهُ أَشْجَانًا لَمْ يَرْقُصْ عَلَى سُودَاءٍ قَلْبُهُ هُمْ يَشْعَلُهُ وَعَمَّ يَحْزُنُهُ كَذَلِكَ حَتَّى يُوْخَذَ بِكَظْمِهِ فَيُلْقَى بِالْقَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْرَاهُ هِينًا عَلَى اللَّهِ فَنَاوُهُ وَعَلَى الْإِخْوَانِ الْإِقَاوُهُ وَإِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ»

مردم! خواسته دنیا خرده گیاهی است خشک و باآلود که از آن چراگاه دوری تان باید نمود. دل از آن کندن خوشتر تا به آرام رخت در آن گشادن، و روزی يك روزه برداشتن پاکیزه تر تا ثروت آن را روی هم نهادن. آن که از آن بسیار برداشت به درویشی محکوم است و آن که خود را بی نیاز انگاشت با آسایش مقرون. آن را که زیور دنیا خوش نماید کوری اش از بی دریغی و آن که خود را شیفته دنیا دارد، دنیا درون وی را از اندوه بینبارد، اندوه ها در دانه دل او رقصان اندوهیش سرگرم کند و اندوهی نگران تا آنگاه که گلویش بگیرد و در گوشه ای بمیرد. رگهایش بریده اجلس رسیده نیست کردنش بر خدا آسان و افکندنش در گور به عهده برادران. و همانا

مرد با ایمان به جهان به دیده عبرت می نگرد. (شهیدی، حکمت ۳۶۷)

اعتماد دینی

از آنجا که اعضای جامعه در مسیر رسیدن به نیازهای خود در تعامل با یکدیگر به سر می برند لازم است که در فضای تعاملی خویش اعتماد و اطمینان متقابل را تأمین کرده و با آرامش خاطر حاصله در مسیر رسیدن به اهداف خود، با یکدیگر همکاری و مشارکت نمایند. "اعتماد اجتماعی تسهیل کننده مبادلات و

تعامل در فضای اجتماعی است و هزینه مذاکرات و تفاهم اجتماعی را به حداقل می‌رساند. اعتماد در یک تعریف ساده عبارت است از انتظار عمل صادقانه دیگران نسبت به خود. در جامعه‌ای که همدلی مشترک در آن نیرومند است، ضریب اطمینان و اعتماد اجتماعی نیز در آن بالا می‌باشد. به عبارت دیگر به هر میزان که افراد تعلق عاطفی بیشتری نسبت به همدیگر داشته باشند به همان نسبت، افراد نسبت به هم اعتماد و اطمینان بیشتری دارند. عکس قضیه نیز درست است، یعنی هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد همدلی نیز در آن افزایش خواهد یافت (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲ و ۱۲۳).

به عقیده حضرت علی (علیه السلام)، اعتماد دینی از نیت‌های پاک و الهی سرچشمه گرفته و با تظاهر به اعتماد یا توافق بر اصول اعتمادزا در جامعه، محقق نخواهد شد. آن حضرت در نگاهی آسیب‌شناختی به جامعه عصر خویش در این باره می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينٍ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَسُوءُ الصَّمَائِرِ»

همانا شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی شما را از هم جدا نکرده، جز درون پلید و نهاد بد

که با آن به سر می‌برید. (شهیدی، خطبه ۱۱۳)

از جمله راهکارهای ایجاد و حفظ اعتماد در جامعه داشتن حسن ظن به دیگران و تصدیق عملی گمان نیک دیگران نسبت به خویش است. حضرت در این زمینه می‌فرماید:

لَا تَطُنَّنْ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سَوْءًا وَأَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْحَيْرِ مُحْتَمَلًا

به سخنی که از دهان کسی برآید، گمان بد بردنت نشاید، چند که توانی آن را به نیک

برگردانی. (شهیدی، حکمت ۳۶۰)

و فرمود:

«وَمَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدَّقْ ظَنَّهُ وَلَا تُضِيعَنَّ حَقَّ أَحِيكَ اتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعَتْ حَقَّهُ»

کسی که به تو گمان نیک برد با کرده نیک گمانش را راست کن. و حق برادرت را به اعتماد

دوستی که با او داری ضایع مگردان. (شهیدی، نامه ۳۱)

از فرمایشات امام علی (علیه السلام) برداشت می‌شود که اسلام، در مواردی که جامعه در وضعیت سلامت دینی خود به سر می‌برد، به حفظ اعتماد توصیه و آن را مایه بهبود روابط و تعاملات در جامعه دانسته است.

اندیشه و فکر

فکر و اندیشه، از راه‌های مهم کامیابی انسان‌های بزرگ است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

أَفْكَرُ مَرْأَةٍ صَافِيَةٌ وَالْإِعْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ وَكُنْفَى أَدْبَابِ النَّفْسِ كَجُبَّتِكَ مَا كَرِهْتَ لِغَيْرِكَ.

اندیشه آینه ای است تابناک، و پند روزانه ترساننده ای از غل و غش پاک، و تو را در ادب کردن نفس بس که دوری کنی از آنچه نپسندی از دیگر کس نده نگری و دور اندیشی (شهیدی، حکمت ۳۶۵)

همچنین می فرماید:

ثَمْرَةُ التَّقْرِيبِ الدَّامَةُ وَثَمْرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ.

کوتاهی در کار را پشیمانی بار است و دوراندیشی را سلامت در کنار. (شهیدی، حکمت ۱۸۱)
از این سخنان چنین برداشت می شود که چنانچه افراد جامعه کارهای خود را بر اساس فکر و اندیشه انجام دهند، انضباط اجتماعی در جامعه محقق شده، و در مسیر تعیین شده به سلامت به مقصود خواهند رسید.

اصلاح بین مردم

اصلاح ذات البین و ایجاد تفاهم و زدودن کدورتها و تبدیل آنها به صمیمیت و دوستی، یکی از مهمترین برنامه‌های اسلامی است. در تعلیمات اسلامی به اندازه‌ای به این موضوع اهمیت داده شده که به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی گردیده است. حضرت علی (علیه السلام) خطاب به فرزندان بزرگوارش می نویسد:

«فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ يَقُولُ صَلاَحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»

من از جد شما (علیه السلام) شنیدم که می گفت: راه آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و روزه سالیان راه. (شهیدی، نامه ۴۷)

امام علی (علیه السلام) در جای دیگری می فرماید:

«إِنَّ سَمْتَ هِمَّتِكَ لِاصْلاَحِ النَّاسِ فَإِنَّمَا بِنَفْسِكَ فَإِنَّ تَعَاطِيكَ صَلاَحَ غَيْرِكَ وَأَنْتَ فَاسِدٌ أَكْبَرُ الْعَيْبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴۷۶۵)؛

اگر همت والای اصلاح مردم را در سر داری، از خودت آغاز کن، زیرا پرداختن تو به اصلاح دیگران، در حالی که خود فاسد باشی بزرگترین عیب است.

پاسخگویی و حق اظهار نظر

یکی از مهم ترین ویژگی های حکومت اسلامی، احترام گذاشتن به آرای عمومی و عملی ساختن خواسته های مردمی است.

امام علی علیه السلام مالک اشتر را از این که امارت و قدرت را وسیله ای برای تحمیل دیدگاه‌های خود بر جامعه قرار دهد، نهی می‌کند و می‌فرماید:

"وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرًا فَاطَاعُ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْعَالٌ فِي الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْعَيْنِ." (نامه ۵۳):

و هرگز مگو که مرا بر شما امیر ساخته‌اند و باید فرمان من اطاعت شود، زیرا چنین روشی موجب فساد دل و سستی دین و نزدیک شدن زوال قدرت [و شورش‌ها و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی] است.

امام علی علیه السلام در نامه ای به "قثم بن عباس" فرماندار مکه می‌نویسد: «و نباید بین تو و مردم واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده ای جز چهره ات باشد و هرگز افراد حاجت مندی که با تو کار دارند از ملاقات خود محروم مساز که اگر آنها از آغاز از در خانه ات رانده شوند حل مشکل آنها بعداً جبران نخواهد شد». (نامه ۳۳) حضرت علی علیه السلام حق سؤال از تمامی ارکان حکومت را برای مردم به رسمیت شناخته و پاسخگویی در قبال سؤالات مردم را بر حکومت واجب دانسته و در این زمینه خطاب به مالک اشتر فرموده است. "و اگر رعیت بر تو گمان ستم برده آشکارا به مردم توضیح ده و عذر خود را نزد آنان بیان کن و با این کار آنها را از بدگمانی بیرون بیاور، که اگر چنین کنی، این کار تو برای تو ریاضت (و تمرین اجرای عدالت) است و برای مردم رفتاری به مدارا و محبت، و صراحت گویی در بیان عذر، و در نتیجه، استوار داشتن توده‌ها در راه حق" (نامه ۵۳)

مبارزه با هوای نفس و تعالی روح

نفس اگر به جنبه‌های مادی گرایش یابد، از اطاعت خدا سربرمی‌تابد و به امور شهوانی میل می‌کند، لذا امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَأْمِنٌ طَاعَةَ اللَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهٍ وَمَأْمِنٌ مَصِيبَةَ اللَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ، فَرَحِمَ اللَّهُ
إِمْرَاءَ نَزَعُوا عَنْ شَهْوَتِهِ وَقَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ، فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مَنزِعاً، وَأَنَّهَا لَا تَزَالُ تَنزِعُ إِلَى
مَعْصِيَةٍ فِي هَوَى. (خطبه ۱۷۶)

و آگاه باشید که چیزی از فرمان‌پذیری خدا نیست؛ جز آنکه با کراهت انجام می‌گیرد، و چیزی از نافرمانی خدا نیست؛ جز اینکه با رغبت عمل می‌شود. پس رحمت خدا بر کسی باد که شهوت خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند، زیرا کار مشکل، بازداشتن نفس از شهوت است که پیوسته خواهان نافرمانی است.

حقیقت نفس انسانی خواهان مخالفت با امر و نهی الهی نیست، بلکه حالت هوای نفس و تعلقات مادی آن است که باعث می‌شود تا نفس از اطاعت خدا سرپیچد. لذا حالت هوای نفس یا غلبه بُعد شهوانی آن سبب اکراه از اطاعت حق و رغبت به معصیت می‌شود. بر همین اساس وظیفه انسان است که شهوت را از خود دور کرده، به قلع و قمع هوای نفس بپردازد.

راهکارهای فرهنگی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام)

مؤلفه	مصادق در نهج البلاغه
اعتماد دینی	خطبه ۴۱- خطبه ۱۱۳- حکمت ۳۶۰- نامه ۳۱
داشتن هدف واقعی در زندگی	خطبه ۶۴
اندیشه و فکر	حکمت ۳۳۲
آینده نگری و دوراندیشی	حکمت ۱۷۲
اصلاح بین مردم	نامه ۴۷
پاسخگویی و حق اظهار نظر	حکمت ۴۱۷- حکمت ۴۰۵- حکمت ۳۸۵
مبارزه با هوای نفس و تعالی روح	خطبه ۱۷۶
پرهیز از تکلف در زندگی	حکمت ۳۶۷



جمع‌بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق با استناد به آموزه های تربیتی امام علی (علیه السلام) بویژه در نهج البلاغه، شاخصه های الهی بودن، حیوانی بودن، فطری بودن و حقانی بودن که بر جنبه درونی انضباط اجتماعی تأکید دارند، احصاء شد. این شاخص ها همگی از خطبه های نهج البلاغه استنتاج و استخراج شده اند.

در گام بعد موانع فرهنگی که در تحقق و گسترش انضباط اجتماعی نقش داشته اند، شناسایی گردید. که ۸ مؤلفه برای این موانع استنتاج گردید. برای این مؤلفه ها، ۱۴ مصداق از خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه استخراج شد.

پس از آن راهکارهای فرهنگی تحقق انضباط اجتماعی و گسترش آن مورد بررسی قرار گرفت. که ۸ مؤلفه استنتاج شده و ۱۳ مصداق از خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه استخراج گردید.

مؤلفه‌ها و مصادیقی که استنتاج و استخراج شده‌اند، صرفاً برای دوره و زمانه امام علی (علیه السلام) مصداق نداشته، بلکه تمامی آنها برای عصر و زمان حاضر نیز مصداق دارد و در صورتی که موانعی که در این تحقیق احصاء گردیده با استفاده از راهکارهای شناسایی شده، مرتفع شود، انضباط اجتماعی در جامعه تحقق یافته و رشد و توسعه فرهنگی را به همراه خواهد داشت.

قابل ذکر است دریای نهج البلاغه چنان وسیع است که انجام این تحقیق، قطره‌ای در مقابل عظمت آن نخواهد بود. از اینرو برای تعمیق و تدبیر بیشتر در موضوع انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام)، تحقیقات بسیار بیشتری نیز لازم است که انجام آن تا حدودی زوایای اهمیت انضباط اجتماعی را روشن خواهد کرد.

پیشنهادات:

- ۱- موانع انضباط اجتماعی در سایر ابعاد (اخلاقی، اقتصادی، مدیریتی) مورد بررسی قرار گیرد.
- ۲- در تحقیقات دیگر انضباط اجتماعی در سایر منابع دینی از جمله قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.
- ۳- بین انضباط اجتماعی از منظر امام علی (علیه السلام) با انضباط اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان عصر حاضر مطالعه تطبیقی صورت گیرد تا آنچه که در عصر حاضر از آن غفلت شده است را با بهره‌گیری از آموزه‌های امام علی (علیه السلام) کامل نمود.
- ۴- این موانع و راهکارها در کتب درسی جهت آشنایی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. تاج‌زینانی، علی اکبر، ۱۳۹۲ ش، *انضباط اجتماعی*، تهران: انتشارات مهر.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ ش، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. دلشاد نهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵ ش، *سیره نبوی: منطق عملی*، تهران: انتشارات دریا.
۴. روزنبرگ، برنارد و آلفرد کوزو، لوین، ۱۳۸۷ ش، *نظریه های بنیادی جامعه شناختی*. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
۵. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، *خصال*، قم: جامعه مدرسین.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۷ ش، *روابط اجتماعی در اسلام به ضمیمه چند رساله دیگر*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۷. علی احمدی، علیرضا، ۱۳۸۳ ش، *شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت برآن*، تهران: تولید دانش.
۸. فصیحی، امان الله و همکاران، ۱۳۹۰ ش، *نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص های آن*، تهران: مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری با همکاری پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله.
۹. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶ ش، *نظم و انضباط*، قم: بوستان کتاب.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۹ ش، *قرآن در آئینه نهج البلاغه*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸ ش، *مشکات هدایت*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۵ ش، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

مقالات

۱۳. حسامی، فاضل، ۱۳۸۸ ش، *اسلام و نظم اجتماعی*، معرفت، ش ۱۳۹، ص ۳۳-۱۱.



۱۴. عصاریان نژاد، حسین؛ مؤمنی، اسکندر، ۱۳۹۰ش، تبیین و ترسیم مولفه‌ها و شاخصه‌های تولید اختلال و بی‌نظمی اجتماعی، فصلنامه امنیت، سال یکم، شماره ۱، ص ۱۹۹-۱۲۳.
۱۵. گرجیان، محمد مهدی و حسنی علیایی، مریم، ۱۳۹۰ش، اسلام، اخلاق و انضباط اجتماعی، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۳۷، صص ۵۷ - ۷۴.
۱۶. صمدی، لیلی، ۱۳۹۰ش، نظم فردی و اجتماعی و مطالعه آن در سیره و سخن حضرت علی علیه السلام، اصفهان: دانشگاه معارف قرآن و عترت، دانشکده علوم قرآن و حدیث.

پایان نامه

۱۷. حجازی طاقانکی، سیده محترم، ۱۳۹۶ش، نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، تهران: دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.

18. Irwin, Kyle & McGrimmon, Tucker & Simpson, Brent (2010), Sympathy and Social Order, University of South Carolina.
19. Sunday Mboho, Kingdom & Sunday Udoh, Unwana-Abasi(2019), SOCIAL ORDER : CHALLENGES AND PROSPECTS IN NIGERIA, NORTH WEST SENATORIAL DISTRICT OF AKWA IBOM STATE PERSPECTIVE Global Journal of Arts, Humanities and Social Sciences Vol.7, No. 6, pp.1-10, June2019.